

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بازنگری جریان اصلاحات ارضی
در دههٔ چهل خورشیدی

بازنگری جریان اصلاحات ارضی
در دههٔ چهل خورشیدی

دکتر اسماعیل شهبازی
دکتر عباس نوروزی

۱۳۹۵

فهرست مطالب

سخن آغازین.....	یازده
پیشگفتار.....	پانزده
سیاسگزاری.....	شانزده
مقدمه.....	هفده
فصل اول: مروری بر نظام‌های زمین‌داری در گذشته ایران و تطوّر آن تا دوران کنونی.....	
مقدمه.....	۱
دوره هخامنشی.....	۲
دوره اشکانی.....	۴
دوره ساسانی.....	۴
دوران اسلامی.....	۵
دوره عباسی.....	۶
دوره سلجوقیان.....	۷
دوره مغول.....	۸
دوره صفویه.....	۹
دوره افشاریه.....	۱۰
دوره زندیه.....	۱۰
دوره قاجاریه.....	۱۱
دوران پهلوی.....	۲۰
اشکال مالکیت در دوران کنونی و تطوّر آن تا سال ۱۳۵۴ هجری خورشیدی.....	۲۱
منابع فصل اول.....	۲۷
پرسش‌هایی برای بحث بیشتر.....	۲۷
فصل دوم: نظام بزرگ‌مالکی (ارباب- رعیتی).....	
تصویری از وضعیت بزرگ‌مالکی ایران در آستانه اصلاحات ارضی.....	۲۹
ظلم وارد شده به رعیت‌ها در نظام ارباب- رعیتی.....	۳۰
منابع فصل دوم.....	۳۶
پرسش‌هایی برای بحث بیشتر.....	۳۷

فصل سوّم: نظام‌های نَسَق‌بندی.....	۳۹
نظام نَسَق‌بندی ارضی زراعی، پیش از اصلاحات اراضی دههٔ چهل.....	۳۹
تعریف نَسَق زراعی جفت‌گاو- زمین.....	۴۲
اجزای نَسَق زراعی جفت‌گاو- زمین.....	۴۲
نظام عُرفی تقسیم‌بندی اراضی زراعی.....	۴۳
مسئلهٔ خُردی و پراکندگی قطعه‌های اراضی مورد کشت و کار هر خانوار کشاورز در قالب نظام.....	۴۴
نَسَق‌بندی سَنّتی در روستاهای ایران.....	۴۸
رویکردهایی در جهت روبارویی با خُردی و پراکندگی اراضی.....	۵۰
منابع فصل سوّم.....	۵۰
پرسش‌هایی برای بحث بیشتر.....	۵۰
فصل چهارم: خیزش دولت و مجلس برای تقسیم اراضی بزرگ‌مالکان.....	۵۳
اصلاحات ارضی در ایران و درک نادرست آن.....	۵۳
اصلاحات ارضی در ایران و فشار امریکایی‌ها.....	۵۴
تدوین لایحهٔ اصلاحات ارضی در وزارت کشاورزی.....	۶۰
اهتمام دولت منوچهر اقبال به تدوین لایحهٔ اصلاحات ارضی.....	۶۱
تصویب لایحهٔ اصلاحات ارضی در مجلس شورای ملی.....	۶۳
نامهٔ گلابه‌آمیز شماری خرده‌مالک.....	۷۳
پرسش از دولت از اجرا نشدن قانون اصلاحات ارضی.....	۷۵
نظر وزیر کشاورزی کابینهٔ شریف‌امامی نسبت به اصلاحات ارضی.....	۷۸
تحلیلی بر قانون اصلاحات ارضی.....	۷۹
اهتمام دولت شریف‌امامی به اجرای قانون اصلاحات ارضی.....	۷۹
منابع فصل چهارم.....	۸۰
پرسش‌هایی برای بحث بیشتر.....	۸۲
فصل پنجم: تعاون در دههٔ چهل خورشیدی در آستانهٔ اصلاحات ارضی ایران.....	۸۳
مقدمه.....	۸۳
ایجاد تعاونی‌های روستایی به‌مثابه ابزار تقسیم اراضی در ایران.....	۸۵
چگونگی تشکیل شرکت‌های تعاونی.....	۸۶
تشکیل سازمان مرکزی تعاون روستایی.....	۸۷
فعاّلیت‌های بازاریابی و بازرگانی شرکت‌ها و اتّحادیه‌های تعاونی [روستایی].....	۸۹
نتیجه‌گیری.....	۱۰۲
منابع فصل پنجم.....	۱۰۳

پرسش‌هایی برای بحث بیشتر	۱۰۳
فصل ششم: مروری بر اجرای برنامه اصلاحات ارضی ایران در دهه چهارم خورشیدی	۱۰۵
تاریخچه و هدف‌های اصلاحات ارضی در ایران	۱۰۵
الف) تاریخچه	۱۰۵
ب) هدف‌های اصلاحات ارضی ایران	۱۰۷
مراحل اجرایی لایحه اصلاحی قانون اصلاحات ارضی ایران در دهه چهارم خورشیدی	۱۰۸
مرحله اول اصلاحات ارضی	۱۰۹
مرحله دوم اصلاحات ارضی	۱۰۹
مرحله سوم اصلاحات ارضی	۱۱۰
مرحله چهارم اصلاحات ارضی	۱۱۰
منابع فصل ششم	۱۱۱
پرسش‌هایی برای بحث بیشتر	۱۱۱
فصل هفتم: اضمحلال نظام ارباب- رعیتی به رهبری دکتر سیدحسن ارسنجانی و همکاری‌اش در وزارت کشاورزی دهه چهارم خورشیدی	۱۱۳
معرفی دکتر سیدحسن ارسنجانی	۱۱۳
اصلاحات ارضی و دولت دکتر علی امینی	۱۲۲
ارسنجانی و رابطه‌اش با دکتر امینی	۱۲۳
ارسنجانی و وزارت کشاورزی	۱۲۵
تشکیل سازمان اصلاحات ارضی	۱۲۷
سخنان تند ارسنجانی و ناراضی‌ت‌ی مالکان	۱۲۸
تبلیغات صورت‌گرفته در مورد اصلاحات ارضی	۱۳۰
ارسنجانی و لایحه اصلاحی قانون اصلاحات ارضی	۱۳۱
لایحه اصلاحی مصوب دولت و تفاوت‌های مهم آن با قانون اصلاحات ارضی مصوب مجلسین	۱۳۶
مقایسه ماده به ماده قانون اصلاحات ارضی و لایحه اصلاحی آن	۱۳۷
فصل اول: تعاریف	۱۳۸
فصل دوم: حدود مالکیت	۱۳۹
فصل سوم: اراضی قابل تقسیم و مقررات مربوط به آن	۱۴۳
فصل چهارم: ارزیابی و پرداخت بهای زمین	۱۴۶
فصل پنجم: مقررات مربوط به تقسیم و تحویل اراضی	۱۵۰
فصل ششم: مقررات مربوط به اراضی تقسیم‌شده	۱۵۲
فصل هفتم: روابط زارع و مالک	۱۵۳

۱۵۶.....	فصل هشتم: مقررات مالی.....
۱۵۸.....	فصل نهم: مقررات مربوط به کمک‌های فنی و حمایت کشاورزان و زارعین.....
۱۶۱.....	تنفیذ لایحه اصلاحات ارضی توسط مجلسین.....
۱۶۳.....	دفاع ارسنجانی از مشروع بودن لایحه.....
۱۶۳.....	آموزش کارکنان اصلاحات ارضی.....
۱۶۴.....	قیمت‌گذاری اراضی زراعی دهات برای خرید از عمده‌مالکان.....
۱۶۶.....	ارزیابی بهای املاک تقسیم‌شده.....
۱۶۷.....	آغاز برنامه اصلاحات ارضی در مراغه.....
۱۷۰.....	همکاری دیگر دستگاه‌ها در اجرای برنامه اصلاحات ارضی.....
۱۷۱.....	شتاب در اجرای برنامه اصلاحات ارضی.....
۱۷۲.....	ایجاد انگیزه در مالکان.....
۱۷۳.....	انتقال اسناد مالکیت در ساعات نیمه‌شب.....
۱۷۳.....	اصلاحات ارضی و مخالفان کلان آن.....
۱۸۱.....	تشکیل شرکت‌های تعاونی.....
۱۸۴.....	تأکید بر منابع محلی.....
۱۸۴.....	اصلاحات ارضی و دستگاه امنیتی کشور.....
۱۸۵.....	ارسنجانی و دولت غلم.....
۱۸۸.....	اصلاحات ارضی و ترفیع موقعیت وزارت کشاورزی و کارکنان آن.....
۱۹۰.....	مرگ مهندس ملک عابدی.....
۱۹۴.....	برگزاری کنگره شرکت‌های تعاونی روستایی.....
۱۹۸.....	پرداخت سهام به‌جای وجه نقد به مالکان.....
۱۹۸.....	نظارت بر عملیات اصلاحات ارضی.....
۱۹۹.....	برکناری ارسنجانی از وزارت کشاورزی.....
۲۰۲.....	اصلاحات ارضی و تلاش مروّجان کشاورزی.....
۲۰۸.....	اصلاحات ارضی و کجروی برخی کارکنان.....
۲۰۸.....	اصلاحات ارضی و تحریف تاریخ.....
۲۰۹.....	شمار کشاورزان مشمول اصلاحات ارضی.....
۲۱۰.....	اصلاحات ارضی و پایداری تولید محصولات کشاورزی.....
۲۱۳.....	منابع فصل هفتم.....
۲۱۵.....	پرسش‌هایی برای بحث بیشتر.....
۲۱۷.....	فصل هشتم: توفان‌های پس از تقسیم اراضی و چالش‌های جریان اصلاحات ارضی.....
۲۱۷.....	اصلاحات ارضی و اضمحلال نظام پادشاهی.....

۲۱۹.....	غفلت از خوش‌نشینان و کارگران کشاورزی.....
۲۲۰.....	ورود به اراضی وقف.....
۲۲۱.....	سهم ناچیز کشاورزان از زمین.....
۲۲۱.....	خُرد بودن و پراکندگی اراضی کشاورزی.....
۲۲۲.....	بی‌توجهی به توانمندسازی شرکت‌های تعاونی.....
۲۲۵.....	کوتاهی در ایجاد صنایع جانبی در حاشیۀ روستاها.....
۲۲۶.....	نادیده‌انگاشتن کبوترخانه‌ها.....
۲۲۶.....	اصلاحات ارضی و اسکان عشایر.....
۲۲۷.....	شمول اراضی کشاورزان تهیدست.....
۲۲۸.....	منابع فصل هشتم.....
۲۲۹.....	پرسش‌هایی برای بحث بیشتر.....
۲۳۱.....	کتابنامه
۲۳۷.....	پیوست‌ها
۲۳۷.....	پیوست یک: قانون اصلاحات ارضی.....
۲۵۲. ۱۳۴۰	پیوست دو: قانون اصلاحی قانون اصلاحات ارضی مصوّب هیئت‌وزیران در ۱۹ دی‌ماه ۱۳۴۰.....
۲۶۵.....	پیوست سه: حکایتی از جریانِ قانون "تقسیم اراضی" دهۀ چهل.....
۲۹۵.....	پیوست چهار: معرفی زنده‌یاد دکتر حسین ملک.....
۲۹۸.....	پیوست پنج: پراکندگی و دوری قطعات زمین‌های زراعی.....
۳۰۳.....	واژه‌نامهٔ فارسی-انگلیسی.....
۳۱۱.....	واژه‌نامهٔ انگلیسی-فارسی.....
۳۱۹.....	نمایه.....

سخن آغازین

در عالم پندارهای خود در دوران نوجوانی و در پی دیدگاه‌های بعدی در دوران جوانی و اشتغال و افتخار خدمت در جامعه‌های روستایی و عشایری در ایران، همواره آرزو داشتم که هر ایرانی در دوران زندگی خود، برگه‌ای مستند از مالکیت این سرزمین را در دست داشته باشد. و یا به بیانی دیگر، همان‌گونه که به صرف زاده شدن از یک زوج رسمی ایرانی، هر نوزاد از لحظه پس از تولد، به دور از دین و مذهب، زبان، قوم و قبیله، اوضاع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی والدین خود، دارای سِجَل یا شناسنامه‌ای رسمی، گویای ملیت و تابعیت ایرانی خود می‌شود، این نوزاد ایرانی در عین حال، صاحب سند مالکیت جزئی از سرزمین ایران ولو در حدّ و یا به میزان جزئی از یک مترمربع از گستره یک میلیون و ششصد و چهل و هشت هزار و یکصد و هشتاد و چهار کیلومتر مربع (۱۶۴۸۱۸۴) ایران زمین هم بشود. تا نه تنها به اعتبار عِرْقِ مَلّی و ندای باطنی، ضمن ارائه شناسنامه، کارت مَلّی و گذرنامه خود، که این بار با ارائه «سندمالکیت» سهمی از ایران، نه تنها اقدام به اثبات هویت مَلّی خود که ادعای مالکیت و صاحب آب و خاک بودن خود را هم به همگان اعلام دارد و بیش از پیش در حفظ و حراست از زادگاه خود بکوشد. و به عبارتی، در همه طول زندگی در ایران و یا حتی در خارج از ایران، همواره مدعی راستین و همیشه پایدار مالکیت بخشی از ایران به عنوان «مَلِکِ طَلِیق» خود بوده و به آن مفتخر باشد.

از اواسط سال یکهزار و سیصدوسی‌وننه که در هیئت مأموران ترویج برای همکاری در آماربرداری‌های پیش‌درآمد اجرای قانون اصلاحات ارضی مصوّب مجلس شورای مَلّی وقت همکاری داشتم، به سبب برخورد با واقعیات و کسب تجربه بیشتر و در نتیجه، با کمی تعدیل در پندارها و دیدگاه‌های پیشین خود، چنین برداشتم که مگر می‌شود به کسی روستایی و عشایری اطلاق کرد و حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی کشور را به آنان سپرد و آنان را مالک آن منابع نشناخت؟ و حال آنکه آنان همواره، نسل اندر نسل موظف و مکلف و گاهی ناچار و محکوم بوده‌اند که به طور دائم برای بهره‌برداری و نگهداری و حراست از آن منابع از دل و جان بکوشند. و در عوض، داستان جانکاه اینکه این منابع حیاتی جامعه (زمین و آب، جنگل، مرتع، آبخیز، آبخوان و ...) اغلب به کسانی تعلق داشته باشد که به دور از کشتزار و روستا و

عرصه‌های طبیعی بوده و ساکن کلان شهرها و چه بسا که بعضی از آنان هر از چندی در خارج از کشور هم به سر برده و برای گردآوری سهم مالکانه به ایران می‌آمدند، که متأسفانه در بسیاری از مناطق پهنه ایران زمین این شیوه، صورت اصلی مسئله در دوران برقراری و تداوم نظام ارباب و رعیتی در هزاران آبادی و ده و دهکده و روستا و قریه و قصبه برای قاطبه مردم ایران بود. و از این رو در فرایند حل آن، اقدام برای اجرای قانون تازه به تصویب رسیده اصلاحات ارضی در ایران، هر جوان ایرانی را برمی‌انگیزانید تا پشتیبان و خواهان همکاری و در صورت امکان، پذیرا و آماده خدمت در اجرای این قانون باشد.

دیری نپایید که به‌رغم تلاش‌های زیاد مأموران مربوط، وزارت کشاورزی آن روز به سبب پیچیدگی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی به‌ویژه فرهنگی و نیز، فشارهای جورواجور عمده مالکان صاحب نفوذ در همه قوای کشوری، از اجرای این قانون در همان آغاز کار وامانده و وزیران مسئول، بارها از اجرای آن سرباز زدند. تا در نتیجه فشار افکار عمومی و در آستانه بیداری توده‌های روستایی سرانجام، کابینه‌ای متفاوت بر سر کار آمد و وزیری حقوقدان و بسیار متفاوت‌تر با دیگر وزیران کشاورزی، سکان کشاورزی کشور را برای اجرای قانون اصلاحات ارضی در دست گرفت.

در این مرحله، به دنبال پندارها و دیدگاه‌های دوران نوجوانی و جوانی خود، این بار این پندار و دید بر من چیره شد، که اگر نه برای احراز مالکیت هر «ذره» از خاک ایران به توسط هر «زاده ایرانی»، که دست کم برای احراز مالکیت هر فرد کشاورز ایرانی که در شرایط ویژه در هر جای ایران روی زمین کار می‌کند و محصول کشاورزی تولید می‌کند، می‌باید یک سند مالکیت داد و وی را از قید و بند نظام جاری ارباب و رعیتی رها کنید.

وزیر حقوقدان کشاورزی که پیشینه کارشناسی تعاون روستایی را در کارنامه حرفه‌ای خود داشت، در اوائل دهه چهل، با مشاورت اعضای دولت و همکاری کارشناسان وزارت کشاورزی، مبتکر و عامل اصلاح قانون مصوب مجلسین و تبدیل آن در قالب یک لایحه قانونی شد. و همین لایحه قانونی مصوب هیئت وزیران در ۱۹ دی‌ماه ۱۳۴۰ بود که راه زمین‌دار شدن میلیون‌ها روستایی صاحب نسق و سهم‌بر و اجاره‌دار و ... در ایران آن روز را گشود. و به حق، کشاورزان روستایی را مالک اراضی تحت کشت و کار خود کرد. و بدین‌سان، بخش نخستین برنامه اصلاحات ارضی ایران را که همانا «تقسیم اراضی» باشد بنیان نهاد و از این راه کشاورزان، مالک و صاحب سند مالکیت اراضی مورد کشت و کار خود شدند.

ولی از فردای روزی که کشاورزان ایرانی مالک و صاحب سند مالکیت اراضی مورد

کشت و کار خود شدند، این امید هم در بین آنان نضج گرفت و به صورت یک نیاز همگانی اشاعه یافت که در پی «تقسیم اراضی»، بنا به ضرورت می‌باید فرایند اصلاح و بهبود و توسعه کشاورزی و آبادانی روستاها نیز بنیانگذاری و اجرائی شود. تا توسعه همه‌جانبه و متوازن ایران به‌عنوان کشوری مبتنی بر منابع طبیعی تجدیدپذیر (و نه وابسته به منابع تجدیدناپذیری چون نفت و گاز)، ضمن تلاش خستگی‌ناپذیر در جریان احیاء منابع طبیعی ایران زمین، پیشرفت سرافرازانه خود را پی‌گیرد.

و امروزه، افزون بر تقسیم اراضی دههٔ چهل و اجرای پروژه‌های مکمل اصلاحات ارضی در دهه‌های بعدی، اگرچه می‌توانیم مدعی مالک و صاحب سند مالکیت اراضی مورد کشت و کار کشاورزان سخت‌کوش در سراسر کشور باشیم ولیکن، هرگز نمی‌توانیم ادعا کنیم که اراضی کشورمان حاصل‌خیزتر، آبادتر، قنات‌هایمان پرآب‌تر، روستاهایمان پرجمعیت‌تر و زندگی روستانشینانمان پررونق‌تر شده است. زیرا آنچه پس از بالغ بر نیم سده بی‌توجهی به روستاها و همزمان، غفلت از حراست و نگهداری و بهره‌برداری از منابع طبیعی پایهٔ تولید در کشاورزی خود، و روبه‌رو شدن با بی‌رونقی کار کشاورزی و تحلیل تدریجی روستاها و اضمحلال اقتصاد روستایی، اینک برای چندمین بار- که امید است آخرین بار باشد- توجه‌مان معطوف به بهره‌برداری بهینه و نگهداری و حراست پایدار از منابع پایهٔ تولید در کشاورزی و در عین حال، آبادانی روستاهایمان شده که هم اکنون به آن روی آورده‌ایم. ان‌شاءالله... که دیر نشده باشد! بلکه کشاورزان امروز بتوانند سند زمین‌هایی حاصل‌خیز و حقایقه‌دار و بهره‌ور را به فرزندان خود که کشاورزان فرداها خواهند بود واگذارند.

اسماعیل شهبازی

پاییز ۱۳۹۵

پیشگفتار

کمتر کسی را در ایران می‌توان یافت که بر این باور نباشد، برنامه اصلاحات ارضی یکی از مهم‌ترین دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی رخ داده در کشور در سده جاری خورشیدی بوده است. یک دگرگونی که با تصویب لایحه‌ای با همین نام در دوره نوزدهم مجلس شورای ملی (در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۳۸) و دوره سوم مجلس سنا (در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۳۹) کلید خورد و به دولت منوچهر اقبال که خود لایحه را به مجلس ارائه داده بود و در پی آن به دولت جعفر شریف امامی برای اجرا ابلاغ شد. دولت‌های یادشده از اجرای لایحه استنکاف کردند ولی با تغییر دولت و روی کار آمدن دولت علی امینی و تصویب لایحه اصلاحی قانون اصلاحات ارضی توسط دولت که در غیاب مجلس مرجع قانون‌گذاری در کشور شده بود، به مورد اجرا گذاشته شد. در طول نزدیک به سه دهه که از ورودم به دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران می‌گذرد، همواره به دگرگونی‌های معاصر روستایی علاقه داشته و سعی داشتم که در مورد آنها کنجکاوی کنم. در جریان همین کنجکاوی‌ها بود که به پاره‌ای از اطلاعات مکتوب در مورد اصلاحات ارضی در ایران که در منابع و مراجع درسی ذیربط یا مورد توجه قرار نگرفته بود و یا به دلایل مختلف کمتر به آنها پرداخته شده بود، برخورددم. اطلاعات دست اول و نویی که می‌توانست برای غنای ادبیات موجود در این زمینه استفاده شود از طرف دیگر، سطحی‌نگری شماری از افرادی که در زمینه اصلاحات ارضی قلم‌فرسایی کرده بودند و به عبارتی کمبود و کاستی‌های موجود در منابع منتشرشده در مورد برنامه اصلاحات ارضی در کشور اعم از کتاب و مقاله انگیزه‌ای برای طرح موضوع انتشار کتابی در موضوع اصلاحات ارضی با استاد گرانقدر و دوست عزیز جناب آقای دکتر اسماعیل شهبازی شد. ناگفته نماند که در جریان بالغ بر دو دهه دوستی و مؤانست با ایشان متوجه شده بودم که آقای دکتر شهبازی به دلیل اینکه خود مجری برنامه اصلاحات ارضی در سال‌های مورد نظر در این کتاب بودند، ناگفته‌های بسیاری از این برنامه داشتند که می‌توانست به‌عنوان مکمل اطلاعات گردآوری شده توسط اینجانب مورد استفاده خوانندگان و علاقه‌مندان به برنامه‌های توسعه و عمران روستایی در کشور واقع شود. اقبال ایشان از این پیشنهاد، دلگرمی و پشتکار بیشتر و تلاش برای دستیابی به اطلاعات هر چه

بیشتر در این زمینه را در پی داشت. آنچه تقدیم حضور خوانندگان می‌شود، حاصل نزدیک به یک سال کوشش مؤلفان در موضوع یادشده است که امیدواریم مورد پسند و استفاده دانشجویان، کارشناسان، استادان، پژوهشگران و متخصصان عرصه‌های توسعه کشاورزی و عمران روستایی در ایران زمین قرار گیرد.

عباس نوروزی

سپاسگزاری

مؤلفان این کتاب بر خود لازم می‌دانند که از تشویق و ترغیب، پشتیبانی و حمایت، همفکری و همکاری و سرانجام معاونت و معاضدت همه کسانی چون:

- آقای دکتر حسین کرمانیان، ریاست پارک علمی و تحقیقاتی و دانشکده فناوری‌های نوین دانشگاه شهید بهشتی؛

- آقای قاسم امامی، کارشناس ارشد پژوهش در پارک علمی و تحقیقاتی دانشگاه شهید بهشتی، زیراب؛

- خانم زهرا رضوانی، مدیر کتابخانه پارک علمی و تحقیقاتی دانشگاه شهید بهشتی؛

- خانم مهندس فریبا خلیلی، کارشناس ارشد آموزش و پژوهش در پارک علمی- تحقیقاتی دانشگاه شهید بهشتی؛

- خانم راحیل چالاکه، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده فناوری‌های نوین دانشگاه شهید بهشتی در زیراب؛

- خانم مهندس الهه امامی‌آل‌آقا، رئیس گروه دانه‌های روغنی معاونت زراعت وزارت جهاد کشاورزی؛

- همکاران مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛

که با توان خود ما را در راه تهیه، تنظیم، تدوین و چاپ این کتاب یاری بخشیده‌اند قدردانی کنند.

مقدمه

آبراهامیان (۱۳۸۶، ص ۳۸۷) در توضیح بیشتر شکاف و انحراف ایجاد شده در برنامه اصلاحات ارضی دهه چهل ایران در دوران نخست‌وزیری اسدالله علم که منطبق بر خواسته‌های شاه بود، نسبت به برنامه اولیه‌ای که مورد نظر و اراده ارسنجانی بود، می‌گوید: "قصد ارسنجانی پدیدآوردن کشاورزان مستقل تا حد اکثر ممکن، و قصد شاه از بین بردن نسق‌داران سنتی، اما نگه‌داشتن زمین‌داران تجاری تا حد اکثر ممکن بود. در سال‌های بعدی این تفاوت ظریف، عوارض عظیمی به بار آورد."

در این کتاب با عنوان "بازنگری جریان اصلاحات ارضی ایران"، کوشش می‌شود تا در نهایت دانسته شود که پس از اجرای اصلاحات ارضی در طول بالغ بر نیم سده از دهه چهل تا کنون، آیا "کشاورزان مستقل" به بیشینه خود رسیده‌اند؟ و یا، "نسق‌داران سنتی" ناپدید شده و در عوض، این "زمین‌داران تجاری" هستند که به بیشینه خود رسیده‌اند؟ یا به عبارتی در نهایت، آیا برنامه اصلاحات ارضی مورد نظر بر مبنای قصد ارسنجانی متحقق شد؟ و یا بر اساس اراده شاه عملی شد؟ و نیز، "عوارض عظیمی" که در نتیجه وجود تفاوتی ظریف بین قصد ارسنجانی و اراده شاه به بار آمده است، کدام یک و چگونه بوده و هستند؟

بدین منظور، افزون بر عنوان مطالبی چون "سخن آغازین" و "پیشگفتار" در آغاز کتاب، در این "مقدمه" چنین می‌آید که متن اصلی کتاب در هشت فصل تهیه و تنظیم شده است و در انتها نیز، دارای پنج پیوست می‌باشد.

نخستین فصل با عنوان "مروری بر نظام‌های زمین‌داری در گذشته ایران و تطوّر آن تا دوران کنونی" به نگاهی گذرا بر شیوه‌های تصرف و تملک و بهره‌برداری از زمین در دوره‌های: هخامنشی، اشکانی، ساسانی، اسلامی، عباسی، سلاجقه، مغول، صفویه، افشاریه، زندیه، قاجاریه و پهلوی بسنده می‌شود. و در پی آن، اشکال مالکیت در دوران کنونی و تطوّر آن تا سال ۱۳۵۴ هجری خورشیدی در قالب اراضی موقوفه، سلطنتی، خالصه و مالکیت‌های خصوصی معرفی می‌شود. در پایان فصل هم پس از درج فهرست منابع، پرسش‌هایی برای بحث بیشتر علاقه‌مندان و پژوهشگران مطرح شده است.

دومین فصل با عنوان "نظام بزرگ مالکی (ارباب- رعیتی)"، به ارائه تصویری از نظام بزرگ مالکی ایران در آستانه اصلاحات ارضی می‌پردازد. در ادامه فصل، اشاره‌هایی به ظلم و ستم‌های وارد شده بر شیوه‌های بهره‌برداری ارباب- رعیتی به رعیت‌ها شده و باز هم، پس از درج فهرست منابع، پرسش‌هایی برای بحث بیشتر ارائه شده است.

از آنجا که تدابیر فنی تقسیم اراضی در دههٔ چهل در اصل مبتنی بر نظام نسق‌بندی عرفی، محلی و سنتی در روستاها بوده است، ناگزیر در فصل سوم با عنوان "نظام نسق‌بندی" به یکی از گسترده‌ترین نظام‌های نسق‌بندی اراضی زراعی در پیش از اصلاحات ارضی دههٔ چهل پرداخته شده است و طی آن، نظام نسق‌بندی زراعی "جفت گاو- زمین" و عرف غالب در تقسیم‌بندی اراضی زراعی و اجزای آن تعریف، و مسئلهٔ خردی و پراکندگی قطعه‌های اراضی مورد کشت و کار هر خانوار کشاورز بررسی شده است. و سرانجام، رویکردهایی نیز در جهت رویارویی با خردی و پراکندگی اراضی زراعی در قالب نظام نسق‌بندی سنتی در روستاها پیشنهاد شده است. البته در انتهای این فصل هم پس از درج فهرست منابع، پرسش‌هایی برای بحث بیشتر درج شده است.

فصل چهارم به "خیزش دولت و مجلس برای تقسیم اراضی بزرگ مالکان" پرداخته و در آن جستارهایی چون: اصلاحات ارضی در ایران و کج‌فهمی آن، اصلاحات ارضی در ایران و فشار امریکایی‌ها، تدوین لایحهٔ اصلاحات ارضی در وزارت کشاورزی، اهتمام دولت منوچهر اقبال به تدوین لایحهٔ اصلاحات ارضی، لایحهٔ اصلاحات ارضی مصوب مجلس شورای ملی، نامهٔ گلایه‌آمیز شماری خُرده مالک، پرسش از دولت از اجرانشدن قانون اصلاحات ارضی، نظر وزیر کشاورزی کابینهٔ شریف امامی نسبت به اصلاحات ارضی، تحلیلی بر قانون اصلاحات ارضی، اهتمام دولت شریف امامی به اجرای قانون اصلاحات ارضی آمده است. در حالی که در پایان فصل فهرست منابع و پرسش‌هایی هم برای بحث بیشتر مطرح شده است.

فصل پنجم به نقش تعاون در تحقق برنامهٔ اصلاحات ارضی در دههٔ ۴۰ خورشیدی و ایجاد تعاونی‌های روستایی به‌عنوان ابزار تقسیم اراضی در ایران اختصاص دارد. زیرا یکی از عمده‌ترین هدف‌های محوری تعاونی‌های روستایی در فرایند اصلاحات ارضی در عالم واقع، قراردادن هیئت مدیرهٔ شرکت تعاونی روستایی به جای مالکان پیشین برای مدیریت در هر روستا، پس از تقسیم اراضی بود. از این رو در این فصل پس از مباحثی همچون چگونگی تشکیل شرکت‌های تعاونی روستایی، تشکیل سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران و فعالیت‌های بازاریابی و

بازرگانی شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی روستایی، به نتیجه‌گیری از مباحث پرداخته شده است. در پایان نیز، همانند دیگر فصل‌ها، پس از درج فهرست منابع، پرسش‌هایی برای بحث بیشتر مطرح شده است.

فصل ششم به مرور اجمال‌گونه برنامه اصلاحات ارضی ایران در مراحل چهارگانه اجرا و تاریخچه و اصول و هدف‌های آن و در پایان نیز، ضمن درج فهرست منابع به طرح برخی پرسش‌ها برای بحث بیشتر می‌پردازد.

در فصل هفتم با عنوان "اضمحلال نظام ارباب- رعیتی" در جریان اجرای لایحه اصلاحی قانون اصلاحات ارضی نوزدهم دی‌ماه ۱۳۴۰ می‌خوانیم: معرفی دکتر حسن ارسنجانی، اصلاحات ارضی و دولت دکتر علی امینی، ارسنجانی و رابطه‌اش با دکتر امینی، ارسنجانی و وزارت کشاورزی، تشکیل سازمان اصلاحات ارضی، سخنان تند ارسنجانی و نارضایتی مالکان، تبلیغات صورت‌گرفته در مورد اصلاحات ارضی، ارسنجانی و لایحه اصلاحی قانون اصلاحات ارضی، لایحه اصلاحی و تفاوت‌های مهم آن با قانون اصلاحات ارضی، مقایسه ماده به ماده قانون اصلاحات ارضی و لایحه اصلاحی، تنفیذ لایحه اصلاحات ارضی توسط مجلسین، دفاع ارسنجانی از مشروع بودن لایحه، آموزش کارکنان اصلاحات ارضی، ارزیابی بهای املاک تقسیم‌شده، آغاز برنامه اصلاحات ارضی در مراغه، همکاری دیگر دستگاه‌ها در اجرای برنامه اصلاحات ارضی، شتاب در اجرای برنامه اصلاحات ارضی، ایجاد انگیزه در مالکان، انتقال اسناد مالکیت در ساعات‌های نیمه‌شب، اصلاحات ارضی و مخالفان کلان آن، تشکیل شرکت‌های تعاونی، تأکید بر منابع محلی، اصلاحات ارضی و دستگاه امنیتی کشور، ارسنجانی و دولت علم، اصلاحات ارضی و ترفیع موقعیت وزارت کشاورزی و کارکنان آن، مرگ مهندس ملک عابدی، برگزاری کنگره شرکت‌های تعاونی روستایی، پرداخت سهام به‌جای وجه نقد به مالکان، نظارت بر عملیات اصلاحات ارضی، عزل ارسنجانی از وزارت کشاورزی، اصلاحات ارضی و تلاش مروّجان کشاورزی، اصلاحات ارضی و کجروی برخی کارکنان، اصلاحات ارضی و تحریف تاریخ و سرانجام، اصلاحات ارضی و پایداری تولید محصولات کشاورزی. در پایان فصل هم پس از درج فهرست منابع مربوط، به طرح پرسش‌ها پرداخته شده است.

فصل هشتم به طرح توفان‌های پس از تقسیم اراضی و چالش‌های پس از آن، از جمله: غفلت از خوش‌نشینان و کارگران کشاورزی، ورود به اراضی وقف، سهم ناچیز کشاورزان از زمین، خرد و پراکندگی اراضی کشاورزی، بی‌توجهی به توانمندسازی شرکت‌های تعاونی

روستایی، کوتاهی در ایجاد صنایع تبدیلی و جانبی در حاشیه روستاها، نادیده انگاشتن کبوترخانه‌ها، مسئله اصلاحات ارضی و اسکان عشایر، شمول اراضی کشاورزان تهیدست و سهم ناچیز آنان از زمین در فرایند طرح و اجرای لایحه اصلاحی قانون اصلاحات ارضی پرداخته و در پایان همانند دیگر فصل‌ها، فهرست منابع و پرسش‌هایی برای بحث بیشتر مطرح شده است.

این کتاب پنج پیوست مرتب به متن، به قرار زیر دارد:

پیوست یک: قانون اصلاحات ارضی، مصوب ۲۴ اسفندماه ۱۳۳۸ مجلس شورای ملی و ۲۶

اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۹ مجلس سنای ایران

پیوست دو: قانون اصلاحی قانون اصلاحات ارضی، مصوب ۱۹ دی‌ماه ۱۳۴۰ هیئت‌وزیران

پیوست سه: داستانی از جریان قانون "تقسیم اراضی" دهه چهل به نقل از کتاب "ستارگان

آسمان روستا"

پیوست چهار: معرفی زنده‌یاد دکتر حسین ملک از پژوهشگران مسائل ارضی کشاورزی

پیوست پنج: پراکندگی و دوری قطعات زمین‌های زراعی